

سید آریا قریشی

در تابستان ۱۴۰۱ فیلم‌های مهمی به صورت گسترده اکران شدند. برخی از این فیلم‌ها در جشنواره‌های داخلی و خارجی خوش درخشیده بودند و از تعدادی دیگر به عنوان آثاری با قابلیت بالای فروش نام برده می‌شد. در شرایطی که عده‌ای اعتقاد داشتند که تراکم اکران باعث بروز هم‌پوشانی شده و بر فروش تعدادی از این فیلم‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، نمایش تعدادی از فیلم‌ها از جمله «تی‌تی» و «ایلیق» شروع کم‌وبیش موفقیت آمیزی داشت و تعدادی دیگر از فیلم‌ها هم با شکست‌های تجاری غافلگیرکننده‌ای مواجه شدند. در این مطلب نگاهی به تعدادی از فیلم‌های مهم اکران تابستان ۱۴۰۱ انداخته‌ایم.

«زالاوا» (ارسلان امیری)
فواید جاه‌طلبی

امیدواری‌ها: جاه‌طلبی همیشه از طریق سکناس‌های عظیم و جلوه‌های ویژه چشم‌گیر بازتاب نمی‌یابد. فیلم‌های جاه‌طلبانه لزوماً آثاری نیستند که داستان‌شان در فضا یا در زمان آینده می‌گذرد. گاهی اوقات، جاه‌طلبی یک فیلمساز یا فیلمنامه‌نویس را می‌توانیم در ایده‌های اولیاش و نحوه گسترش داستان پیدا کنیم. یک اثر هنری می‌تواند با امکانات محدود ساخته شود و کل داستان با دو شخصیت و در یک اتاق بگذرد اما کماکان اثری

بلند پروازانه باشد. با این تعریف، «زالاوا» فیلم بلند پروازانه‌ای است. یکی از مشکلاتی که سینمای ایران از آن رنج می‌برد، فقدان جاه‌طلبی در ایده‌پردازی و اندیشه‌سازی است. جدا از مباحثی چون تکراری بودن مضامین و داستان‌ها که به خلق فیلم‌هایی تقلیدی و میان‌مایه می‌انجامد، می‌توان به محدود بودن فیلم‌ها اشاره کرد. منظور از محدود بودن، ناتوانی فیلم‌ها در بازتاب زیرمتن زندگی مردم است. آثار پر تعدادی که از این مشکل رنج می‌برند، شاید تصاویری از خیابان‌ها و طرز پوشش مردم را در یک زمانه خاص نشان دهند اما از نظر فکری هرگز نمی‌توانند به سندی از آن زمانه تبدیل شوند. اگر گذر زمان باعث می‌شود تا سینما دوستان و کارشناسان برخی از آثار را سندهایی از زمانه بدانند، به دلیل توان فیلمسازان در نفوذ به زیرمتن جامعه است.

اما بسیاری از فیلم‌هایی که به این جایگاه می‌رسند، می‌توانند مرزهای زمانی و مکانی را نادیده بگیرند. ذات تکرار شونده تاریخ باعث می‌شود فیلم‌هایی که به زیر پوست جامعه



و نه اساساً باور به اجنه، بلکه محوریت فیلم به اعتقاد راسخ اکثر اهالی زالوا به حضور جن در آن منطقه برمی‌گردد؛ اعتقادی که باعث می‌شود راه سوءاستفاده از آنان باز شود. تمام تلاش قهرمان فیلم این است که به اهالی زالوا به جای ماهی، ماهیگیری یاد دهد. گسترش همین بحث به جای تمرکز بر غافلگیری‌های لحظه‌ای، همان نکته‌ای است که باعث می‌شود تماشای «زالاوا»، احتمالاً سی سال بعد هم مثل امروز تجربه‌ای تأمل برانگیز باشد. نتیجه: شاید «زالاوا» به آن اندازه که قابلیتش را دارد عمق پیدا نکرده باشد اما کماکان می‌تواند یکی از فیلم‌های خوب اکران ۱۴۰۱ سینمای ایران قلمداد شود. ارسلان امیری و همکارانش در نگارش فیلمنامه (ایدا پناهنده و تهمینه بهرام) الگوهای کلاسیک شخصیت‌پردازی را در مورد قهرمان داستان (مسعود احمدی بازی خوب نوید پورفرج) رعایت کرده‌اند. با شخصیتی چندبعدی روبه‌رو هستیم که از یک زخم روحی عمیق رنج می‌برد و همین امر، به او هدفی برای مقابله با سادگانگاری ریشه‌دوانده در اهالی زالوا (یا لاقل آن چه او سادگانگاری می‌پندارد) می‌بخشد. بنا بر این با شخصیتی روبه‌رو هستیم که با میل و رغبت از دنیای عادی ورود کرده و وارد دنیای ویژه می‌شود. شباهت آغاز و پایان پیرنگ (و، از جنسی دیگر، شباهتی که میان زخم پیش داستان قهرمان و حادثه نهایی وجود دارد) به درستی درون‌مایه اثر را برجسته می‌کند. این همان الگویی است که به بهترین شکل ممکن در سناهاکاری همچون «محلّه چینی‌ها» (رومن پولانسکی) هم وجود داشت و تأثیرگذاری فیلم را مضاعف می‌کند.

اما امیری سعی کرده از این مرحله هم عبور کرده و تردید عمیق‌تری را در قهرمان (و تماشاگر) ایجاد کند. تقابل دو شخصیت اصلی یعنی مسعود احمدی و آمدان (بازی دیدنی پوریا رحیمی سام) قرار نیست تقابل خیر و شر مطلق باشد. بلکه داستان جوری پیش می‌رود که نه فقط ما به برخی از مسائل شک می‌کنیم، بلکه حتی قهرمان داستان هم در لحظاتی در حق بودن خود و باطل بودن طرف مقابل دچار تردید می‌شود. تأکید فیلمساز بر اعتقادی که ظاهراً آمدان به کارش دارد و تعهدی که - تا سرحد آسیب رساندن به جسم خود - برای مهار اجنه از خود نشان می‌دهد، به ما می‌فهماند که نباید آمدان را به سادگی یک کلاه‌بردار در نظر بگیریم. این تأکید شاید در لحظاتی از لحاظ دراماتیک چندان مؤثر به نظر نرسد (و این تردید را ایجاد



«زالاوا» پیش از آن که از الگوهای آثار ترسناک پیروی کند، سعی می‌کند تقابل‌های پیچیده‌تری را برجسته کند. اولین ساخته امیری در مقام کارگردان، به تبعات جهل در جامعه پرداخته و نشان می‌دهد که چطور آن که در چنین جامعه‌ای بزرگ‌ترین ضربه را می‌خورد، فردی است که از دیگران آگاه‌تر است

نفوذ می‌کنند، عملاً در دوره‌های دیگر هم تازگی داشته باشند. در میان آثار یک دهه اخیر سینمای ایران، فیلم‌های معدودی توانسته‌اند به چنین جایگاهی برسند. «زالاوا»، در همان مرحله ایده‌پردازی اولیه، فیلمی است که چنین قابلیت‌هایی را می‌توان در آن مشاهده کرد. خط اولیه داستانی «زالاوا» مناسب یک فیلم ترسناک متعارف به نظر می‌رسد. اما ارسلان امیری و همکارانش سعی می‌کنند روی مسائل عمیق‌تری تمرکز کنند. به همین دلیل است که «زالاوا» بیش از آن که از الگوهای آثار ترسناک پیروی کند، سعی می‌کند تقابل‌های پیچیده‌تری را برجسته کند. اولین ساخته امیری در مقام کارگردان، به تبعات جهل در جامعه پرداخته و نشان می‌دهد که چطور آن که در چنین جامعه‌ای بزرگ‌ترین ضربه را می‌خورد، فردی است که از دیگران آگاه‌تر است. بحث اصلی فیلم نه حضور یا عدم حضور جن در منطقه زالواست